

مذاکره بدون دندان

دورنمایی از مذاکرات تهران - واشنگتن

سوریه آزاد!

یادداشتی پیرامون آخرین تحولات سوریه و
نسل کشی علیه علویان

روایت سارا

روایت یک نیمه شب در غزه

تاریخچه ساکنان اصلی فلسطین

بررسی حاکمیت مسلمانان بر فلسطین

فطر سیاسی یا سیاست فطری

تأملی بر بیانات رهبر معظم انقلاب در
نماز عید سعید فطر

صدر ایستادگی

نگاهی اجمالی به سرگذشت شهیدان صدر

مسائل کشور را به این گفتگوها گره نزنید.
اشتباهی که در برجام کردیم اینجاست که نشود.
در دوران برجام، کشور را شرطی کردیم و همه چیز را
منوط کردیم به پیشرفت مذاکرات.
سرمایه گذار وقتی می بیند که کشور منوط به
مذاکره است، سرمایه گذاری نمی کند.

دلیل؟ تجربه!



آنچه می‌خوانیم

♦ مذاکره بدون دندان

دورنمایی از مذاکرات تهران_واشنگتن

♦ سوریه آزاد!

یادداشتی پیرامون آخرین تحولات سوریه و نسل‌کشی علیه علویان

♦ روایت سارا (صفحه روا)

روایت یک نیمه شب در غزه

♦ تاریخچه ساکنان اصلی فلسطین

بررسی سابقه حضور عبرانی‌ها در فلسطین

♦ فطر سیاسی یا سیاست فطری

تاملی بر بیانات رهبر معظم انقلاب در نماز عید سعید فطر

♦ صدر ایستادگی

نگاهی اجمالی به سرگذشت شهیدان صدر

بلکه سرنگونی نظام سیاسی این کشور با مداخله مستقیم ناتو بود. غرب از تغییر رویکرد قذافی نه برای اعتمادسازی، بلکه برای حذف او از ساختار قدرت بهره برد و حالا نیز مردم لیبی با چراغ دنبال یک قذافی می‌گردند این تجربه نیز به خوبی نشان می‌دهد که تنش‌زدایی بدون ابزارهای بازدارنده، خطرناک است.

تجربه داخلی، «دیپلماسی التماسی» و نتیجه معکوس آن

در سیاست خارجی ایران نیز، تلاش برای جلب رضایت کشورهای منطقه، به‌ویژه در دوران وزارت محمدجواد ظریف، نمونه روشنی از سیاست تنش‌زدایی یک‌جانبه بود. نامه‌نگاری‌ها، سفرها و تماس‌ها برای کاهش تنش با عربستان و دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، در عمل نتیجه‌ای معکوس داشت. کشورهای عربی نه تنها رویکرد خود را تغییر ندادند، بلکه با جسارت بیشتری وارد ائتلاف‌سازی علیه ایران شدند از جمله افزایش سرمایه‌گذاری در پروژه‌های ضدایرانی در یمن، لبنان و سوریه. این چارچوب، تنش‌زدایی بدون قدرت‌نمایی یا تضمین‌های متقابل، به جای ایجاد ثبات، به افزایش انزوای منطقه‌ای ایران انجامید. تحلیل سیاست ایالات متحده نیز روشن می‌سازد که آنچه به نام دیپلماسی یا مذاکره عرضه می‌شود، در واقع نوعی اولتیماتوم است که صرفاً پوشش دیپلماتیک دارد. خواسته‌های حداکثری، بی‌توجهی به اصول «توازن در توافق» و استفاده هم‌زمان از فشار اقتصادی، سایبری، رسانه‌ای و نظامی، نشان می‌دهد که آمریکا رویکردی مصالحه‌جویانه ندارد. بنابراین، اتکای صرف به مذاکرات در برابر چنین طرفی، بیش از اندازه خوش‌خیالی است و از لحاظ نظری و عملی، ابزاری برای کاهش تهدید محسوب نمی‌شود. همه ارگان‌های کشوری و لشکری باید مذاکره را به عنوان یکی از راه‌حل‌ها بدانند، نه تمامی راه‌حل؛ در شرایط فعلی، اگر جمهوری اسلامی ایران صرفاً به سیاست تنش‌زدایی متکی باشد، بدون آنکه ابزارهای بازدارنده و تهدید متقابل را در دستور کار داشته باشد، نه تنها تهدید کاهش نمی‌یابد، بلکه احتمال افزایش فشار نیز بیشتر می‌شود. تجربه‌های تاریخی و منطق نظریه موازنه تهدید نشان می‌دهد که تنها راه حفظ ثبات، ترکیب دیپلماسی با بازدارندگی هوشمندانه است. نشان دادن پالس ضعف، قاطع نبودن در تصمیم‌گیری‌ها و چندصدایی، و صحبت از صلح و رفت‌وآمد از یک تریبون به تریبون دیگر توسط فرمانده‌های نظامی کشور، فقط و فقط ایران عزیز را در معرض خطر جدی‌تری قرار خواهد داد.

در سال‌های اخیر، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بانوساناتی میان رویکردهای تقابلی و مصالحه‌جویانه مواجهه بوده است. یکی از محورهای اصلی این نوسان، مسئله تنش‌زدایی و نسبت آن با موازنه تهدید در روابط بین‌الملل است. در شرایط فعلی، دولت جمهوری اسلامی بار دیگر نشانه‌هایی از تمایل به گفت‌وگو و کاهش تنش از خود نشان داده است؛ پرسش اصلی اما این است: آیا این مسیر واقعاً منجر به کاهش تهدید خواهد شد یا تهدیدات را تشدید خواهد کرد؟ در ادبیات روابط بین‌الملل، نظریه «موازنه تهدید» برخلاف «موازنه قدرت»، بر این فرض استوار است که دولت‌ها نه تنها بر اساس قدرت کشورها، بلکه بر اساس ادراک از تهدید (که ترکیبی از قدرت، نیت خصمانه، نزدیکی جغرافیایی و توانایی تهاجم است) عمل می‌کنند. اگر این نظریه را مبنا قرار دهیم، کاهش تهدید الزاماً با کاهش تنش هم‌راستا نیست. در مواردی، تنش‌زدایی یک‌طرفه می‌تواند سیگنال ضعف ارسال کرده و دشمن را به اقدامات تهاجمی‌تر ترغیب کند. همان‌گونه که ادبیات تله تنش در ماه‌های گذشته بسیار مورد استفاده قرار گرفته و حمله اخیر رژیم صهیونیستی به ایران که پاسخی به آن داده نشد، ممکن است آن رژیم را وحشی‌تر از گذشته کند. جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر، مخصوصاً در دولت‌های روحانی و حتی در دولت فعلی به دنبال احیای برجام به فکر تنش‌زدایی با غرب و کشورهای منطقه تمایل نشان داده است. اما تجربه گذشته که مقام معظم رهبری نیز به آن اشاره داشتند چه در تاریخ داخلی و چه در تجربه‌های بین‌المللی، نشان می‌دهد که تنش‌زدایی زمانی مؤثر واقع می‌شود که با ابزارهای بازدارندگی و حفظ موازنه همراه باشد، نه با امتیازدهی صرف که باعث گستاخی طرف مقابل شود و هیچ هزینه‌ای برای اقدامات او نداشته باشد. **تجربه بین‌المللی، سرنوشت لیبی پس از تنش‌زدایی یک‌جانبه**

در سال ۲۰۰۳، معمر قذافی اعلام کرد که برنامه هسته‌ای و تسلیحاتی خود را کنار می‌گذارد و آماده همکاری با غرب است. نتیجه این اقدام، نه بازگشت لیبی به جامعه بین‌الملل به عنوان یک عضو برابر،

فاطمه فضلی

کارشناسی زبان و ادبیات عرب

ترس از انتقام جویی خانه های خود را ترک کرده و به مناطق امن تر و حاشیه پایتخت پناه ببرند، در نتیجه این جنگ نه تنها بافت جمعیتی سوریه را دگرگون کرد بلکه باعث شد تا برخی از علویان نیز در حمایت خود از حکومت است تجدید نظر کنند. آمریکا هم که اعلام کرده بود به دنبال خاور میانه جدید است. در این میان سوریه بود. که به عنوان مبدأ این نقشه جدید قرار گرفت به ظهور دست پرورده آمریکا گروهک تروریستی داعش، این نقشه می بایست عملی میشد ولیکن با کمک حزب الله لبنان و ایران طرح تجزیه عراق و سوریه خنثی شد. گرچه از سوریه ویرانه ای بیش باقی نمانده بود و بشار باید خانه را از نو بنا میکرد اما روند پیشرفت سوریه از مصائب مردم عقب مانده بود بشار اسد تلاش کرد از طریق تعامل با غرب و باز کردن برخی سفارتخانه های کشورهای غربی از جمله فرانسه و همچنین ارتباط جدید عربی از جمله عربستان و امارات سروسامانی به اوضاع سوریه بدهد اما در این زمینه توفیق چندانی حاصل نشد. حال اما پس از سقوط بشار اسد روی کار آمدن احمد الشرع، رهبر هیئت تحریر الشام، اقلیت علوی بیش از پیش با چالش و تهدید جانی و مالی روبرو شده اند. کشتارهای مذبحخانه ای که علیه علویان و سایر اقلیتها رخ میدهد در برابر دیدگان جامعه جهانی با تبانی آشکار منطقه ای و سکوت مشکوک رسانه های عربی انجام میشود. آنچه امروز در جریان است صرفاً یک درگیری داخلی نیست، بلکه یک پاکسازی قومی و فرقه ای سیستماتیک است که توسط گروه های مسلح با پوشش سیاسی دولتی و حمایت نظامی قدرت های منطقه ای و بین المللی هدایت میشود. مناطق ساحلی به ویژه لاذقیه و طرطوس شاهد تشدید چشمگیری در عملیات نظامی علیه علویان بوده است تحت این بهانه که آنها به رژیم پیشین وفادارند. گروه های مسلح به ویژه گروه جولانی هیئت تحریر الشام، حملات خود را به روستاها و شهرهای علوی نشین افزایش داده اند و با استفاده از سلاح های سنگین اقدام به کشتار جمعی و تخریب سازمان یافته کرده اند. و اما جولانی و آزادی... تا باید پیش نویس های قانون اساسی دال بر سیاست اجرایی او در سوریه زمزمه دیکتاتوری و خود کامگی نوین را می نوازند. او یک شبه بدون هیچ انتخاباتی از یک تروریست معروف تبدیل به مطلوب و آزادی اور لیبرالها میشود و وزیرای دولتش را از بین هالکان پیشینه دار انتخاب میکند و ماشین کشتارش متوقف نمیشود تروریستهای تحت فرمان او همزمان که مردم را تحقیر و شکنجه میکنند تفریحی اسلحه شان را سمت آنها میگیرند و شلیک میکنند و فیلم میگیرند! قتل عام می کنند. و میخندند و با افتخار میگویند علویان را گشتیم از سوی دیگر اسرائیل هم مدام بمباران میکند و اشغال میکند و می تازد و اسلحه تروریستهای حاکم بر سوریه جلوی اسرائیل غلاف است. این ترنشنال میگوید «اسرائیل پایگاه های حکومت پیشین سوریه را بمباران کرد حکومت پیشین که سقوط کرد و «آزادی» آمد؛ هنوز بمباران میکنند. زیر ساخت ها را نابود میکنند. تحریم ها را هم که همچنان به قوت خویش باقی است. صدایی هم از آنها می که «این آزادی را تریک می گفتند در نمی آید!

علویان دومین گروه مذهبی بزرگ در سوریه پس از سنی ها هستند. این گروه مذهبی حدود ۱۵ الی ۱۸ درصد از جمعیت سوریه را تشکیل میدهند و عمدتاً در مناطق ساحلی لاذقیه و طرطوس سکونت دارند. اعتقادات آنان ترکیبی از سنتهای اسلامی با عناصری از گلوسیسم و تصوف است که آنان را از باورهای رایج اهل سنت و شیعه متمایز می نماید هر چند آنها را شاخه ای از تشیع مینامند. این گروه که حوادث اخیر سوریه در مواصلت با هویت آنهاست در امتداد تاریخ علی الاتصال با چالشهای متفرق و متعددی مواجه بوده آنها که از اوایل دهه ۵۰ شمسی در پی فتوای برخی از علمای شیعه با محوریت امام موسی صدر پیرو شاخه ای از تشیع محسوب میشوند تا پیش از آن در دوران حکومت عثمانی و دوره های پیش از آن همواره تحت فشارهای مختلف قرار داشته و از مشارکت کامل در قدرت و اقتصاد محروم بوده اند با فروپاشی امپراتوری عثمانی و تحت قیمومیت قرار گرفتن سوریه توسط فرانسه فرصت های جدیدی برای اقلیت های این کشور از جمله علویان فراهم شد. فرانسویها با هدف تضعیف ناسیونالیسم عربی سنی به اقلیتها توجه بیشتری نشان دادند و آنها را وارد ارتش و دستگاههای اداری کردند. این سیاست، اگرچه با اهداف استعماری صورت میگرفت اما زمینه را برای ارتقای جایگاه علویان در جامعه سوریه فراهم نمود. صعود خاندان است به قدرت نقطه عطفی در تاریخ علویان بود حافظ است که خود از تبار علوی بود در سال ۱۹۷۰ با یک کودتای نظامی زمام امور سوریه را به دست گرفت. او با ایجاد یک شبکه منسجم از وفاداران علوی در ارتش سازمانهای امنیتی و دستگاههای دولتی پایه های حکومت خود را مستحکم کرد. در دوران حکومت حافظ اسد. علویان به تدریج به مناصب مهم در حوزه های سیاسی اقتصادی و نظامی دست یافتند. این مسئله، اگرچه به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی علویان کمک کرد اما در عین حال به نارضایتی و احساس تبعیض در میان سایر گروه های قومی و مذهبی دامن زد. پس از مرگ حافظ اسد پسر دوم بشار در مقام او نشست چشم پزشکی که در بیمارستان لندن تحصیل کرده بود و پزشک بیمارستان نظامی شده بود. او در دوران خویش لحظات موثر و خطیر بسیاری را پشت سر گذاشت من جمله آنها مخالفت با تهاجم ایالات متحده آمریکا علیه عراق در سال ۲۰۰۳ بود که موجب تشدید تنش در روابط بشار اسد با دولت های غربی شد.

سال ۲۰۱۱ سال پر ماجرای بود

از یک سو جنگ داخلی سوریه و از سوی دیگر فریاد یک صدای است باید برود غربی ها و عربی ها در این دوره علویان به عنوان حامیان اصلی حکومت است هدف اصلی حملات گروههای مختلف شورشی و تروریستی قرار گرفتند. کشتار علوی ها توسط گروههای تروریستی موجب شد که در طول قریب به یک دهه بسیاری از علویان به دلیل



در هر شماره نشریه
یک تصویر روایت‌گری
می‌کند، در آخر این تصاویر
در یک آلبوم جمع‌آوری
می‌شود. از شما همراهان
محترم دعوت می‌شود که
برای ویژه‌نامه‌هایی با ما
همراه باشید.

#از درِ چیه_مقاومت_ببین

* روایت سارا

روایت یک نیمه شب در غزه

روایت‌گر: سارا نبیل

نوازش‌های مادرم این قدرت را داشت که مرا از خیالات کودکانه بیرون کند و به واقعیت تلخ وطنم بازگرداند. بیدار شو سارا! هوا پیمای‌های اسرائیلی یک ساختمان را ویران کردند ما باید خانه را ترک کنیم نگاهش کردم و آهی کشیدم. بزرگ‌ترین کیفی را که در خانه پیدا می‌کنید بردارید. آن را پر از لباس مدارک شناسایی کنید به علاوه ی هر پولی که پس انداز کرده‌اید و دفترهای خاطرات مورد علاقه‌تان در عرض چند دقیقه من و مادرم آماده حرکت شدیم. فکر مسخره‌ای به سرم زد پوزخندی زدم و به تفاوت وسیله جمع کردن در جاهای دیگر جهان برای تعطیلات آخر هفته و وسیله جمع کردن در غزه فکر کردم مضحک است نه؟ تلفن زنگ زدن نیاز نداشتم که پیرسم کیست می‌دانستم عمویم است که می‌پرسد آماده‌ایم یا نه؟ چند دقیقه بعد به مدت از دست دادن دوشهیدو ده‌ها مجروح به عمویم رسیدیم. در حالی که بار کوله و زحمت بودن برای دیگران را به دوش می‌کشیدیم از پله‌ها بالا رفتم سکوتی سنگین قدرت حرف زدن را از ما گرفته بود. روح ماهنوز جایی در خاطرات جنگ گذشته و تمام اتفاقات غم‌انگیز آن گیر کرده بود هیچ کس حتی سعی نکرد راه اتاقی را که به عنوان سرپناه موقت به ما اختصاص داده بودند نشان دهد. به نظر صحنه‌ای بود که بارها تکرار شده بود و همه می‌دانستند که در ادامه هم چه اتفاقی خواهد افتاد.

آنجا وارد اتاق تاریک و وحشتناکی شدم. نه هوا، نه نور، نه زندگی حس کردم که دیوارها به من نگاه می‌کنند و زمزمه می‌کنند، تو دوباره برگشتی؟ تازه یک سال گذشته است که اگر حق آنجا وارد اتاق تاریک و وحشتناکی شدم نه هوا، نه نور، نه زندگی حس کردم که دیوارها به من نگاه می‌کنند و زمزمه می‌کنند تو دوباره برگشتی؟ تازه یک سال گذشته است که اگر حق انتخاب داشتم هرگز به اینجا بر نمی‌گشتم گوشه‌ای مناسب برای چمدانم پیدا کردم اتاق پر از کار بود و من پر از فکر و خیال به هر زحمتی بود مرتبش کردم و تخت را هم آماده هر چند می‌دانستم امشب خیری از خواب راحت نخواهد بود. با اینکه کنار هم نشسته بودیم اما فکرمان جای دیگری بود. این گردهمایی خانوادگی ما نبود عمویم مشغول جستجوی یک منبع موثق برای اخبار فوری بود پسر عموهایم به سختی تلاش می‌کردند کابل‌های قدیمی‌شان را در چیزی جمع کنند که نور اتاق را افزایش دهد مادرم تمام سعیش را می‌کرد تا بچه‌ها و خودش را آرام نگه دارد فکر کنم داشت داستان سیندرلارا برایشان تعریف می‌کرد در حالی که چشمانش را به گوشه چسبانده بود و منتظر اخبار بیشتر بود برای مدت کوتاهی باور داشتم که او مأموریت خود را انجام داده است، اما صدای موشک همان یک لحظه آرامش خانواده را هم از بین برد. ناامید کننده بود، اما نه غیرمنتظره این شیوه‌ای است که ما اینجا با آن بزرگ می‌شویم.

نیمه شب، ساعتی ست که والدین به فرزندان خود به دروغ اطمینان می‌دهند که هیچ اتفاق بدی برای آنها نخواهد افتاد. زمانی که خواهر و برادر بزرگ‌تر طوری رفتار می‌کنند که انگار در خواب هستند، بنابراین هیچکس نمی‌پرسد که آیا موشک‌های بیشتری پرتاب خواهند شد یا نه همه می‌دانیم؛ مردم غزه می‌دانند نیمه شب زمانی است که ما همه بیداریم. من اهل غزه هستم؛ شاید چیزی نداشته باشم اما حداقل می‌توانم برای شبی آرام دعا کنم که در آن به هیچ یک از عزیزانم آسیبی نرسد. من چیزی جز یک داستان برای تعریف کردن ندارم...

۲۸۴۲ شهید فلسطینی بدون هیچ اثری در غزه مفقود شده‌اند و اجساد آنها در غزه غیر قابل شناسایی است.

@palestineindocs

تاریخچه ساکنان اصلی فلسطین

بررسی اولین گردهمایی جهانی صهیونیست‌ها

منبع: مقاله ساکنان و صاحبان اولیه و اصلی سرزمین فلسطین

شماره پنجم

پینسکر رئیس گروهی بود به نام «عشاق صهیون» که در روسیه زندگی می‌کرد و با همفکری برخی از اندیشمندان و روشنفکران یهود نظیر دکتر تئودور هرتزل، بنیانگذار دولت صهیونیستی اسرائیل حییم و ایز من، دیوید بن گورین و دیگران خواستار بازگشت یهودیان به فلسطین و تشکیل یک کانون یهود بودند «جنبش عشاق صهیون» به همراه جنبش صهیونیستی دیگری به نام «جنبش بیلو» در روسیه در قالب سازمان جهانی صهیونیست طرح بازگشت یهودیان به فلسطین را مطرح و پیگیری کردند.

کنگره بال

صهیونیست‌ها اولین گردهمایی جهانی خود را به ریاست هرتزل در سال ۱۸۹۷ در شهر بال سوئیس برگزار کرده و سیاست‌ها اهداف و برنامه‌های جهانی خود را تحت عنوان «پروتکل‌های زعمای صهیون» در ۲۴ بند تدوین کردند روزنامه واینرفری پرس در ۲۴ دسامبر ۱۹۱۲، به نقل از یکی از زعمای صهیون نوشت زعمای صهیون که سیصد نفرند و همگی یکدیگر را می‌شناسند، سرنوشت اروپا را تعیین می‌کنند. صهیونیسم، به نام بنیامین دیزرائیلی آمده است: «دنیا به دست شخصیت‌هایی اداره می‌شود که در پشت پرده دست اندرکارند و همه این شخصیت‌ها

صهیونیست هستند». در پروتکل شماره ۱۱، اهداف جهانی برتری طلبانه و نژاد پرستانه صهیونیسم این گونه اعلام شده است: خداوند به ما قوم برگزیده نعمت اسارت تبعید تفرق و پراکندگی در جهان را ارزانی داشت این امور در گذشته نشان ضعف ما بودند. بعد ها سبب قدرت ما شدند؛ قدرتی که امروز ما را در آستانه حکومت جهانی قرار داده است. ما تا اینجا رسیده ایم و فقط مانده است که ساختمان حکومت آینده خود را بر این شالوده ها استوار کنیم و این کار چندان دشوار نیست اما برگزاری کنفرانس بال که راه را برای ایجاد دولت صهیونیستی در فلسطین هموار کرد، حاصل تلاش های هرتزل بود او در کتاب خود تحت عنوان «دولت یهود» با تشریح وضعیت ناگوار یهودیان در اروپا و اشاره به جریان یهودستیزی در آنجا ایده همسان سازی و ادغام یهودیان را در جوامع غیر یهودی غیر ممکن دانسته و خواستار ایجاد دولت مستقل یهود در فلسطین شد که همین ایده در کنگره بال به تصویب رسید. هرتزل خود در این باره گفته است: اگر بخواهم کنگره بال را در یک کلمه جمع کنم باید بگویم در بال، من کشور یهود را بنیان گذاشتم این را علی نخواهم گفت، چون اگر امروز چنین بگویم جهان به من خواهد خندید. اما شاید در عرض پنج سال و مسلماً در ۵۰ سال آینده جهان، کشور یهود را به چشم خواهد دید. برنامه صهیونیست‌ها برای ایجاد یک دولت یهودی در فلسطین و تلاش‌های همه جانبه جهت تحقق آن در حالی آغاز گردید که طبق بررسی‌های به عمل آمده در سال ۱۹۰۶، در تمام فلسطین ۷۰۰۰۰۰ هزار نفر ساکن بودند که تنها ۵۵۰۰۰ نفر از آنها یهودی بوده و از این تعداد فقط ۵۵۰ نفر از این‌ها صهیونیست بودند. بررسی

بود که حکومت خود را در سرزمینی که به او تعلق نداشت برپا کند.

فشار بر دولت عثمانی

دیگری حاکی از این است که در زمان برگزاری کنفرانس بال، ۹۵ درصد مردم فلسطین عرب بودند که ۹۹ درصد زمین‌های آنجا را تحت مالکیت خود داشتند. با این وجود صهیونیسم جهانی اراده کرده هر تزل برای اجرای برنامه‌های کنفرانس بال شخصاً وارد عمل شده و در صدد فراهم آوردن زمینه‌های انتقال یهودیان به فلسطین برآمد به همین منظور از همان سال ۱۸۹۷، از یک سوارتباطات نزدیکی را با کشیش‌ها و پادشاهان اروپایی برقرار کرد و از سوی دیگر به ملاقات احمد توفیق، سفیر عثمانی در آلمان رفت و پیشنهاد انتقال (Transfer) یهودیان به فلسطین در مقابل اعطای وام کلان از سوی یهودیان به دولت عثمانی را مطرح کرد. مقامات حکومت عثمانی که ظاهراً به نیات باطنی هر تزل پی برده بودند به او اطلاع دادند که: یهودیان می‌توانند در مناطق تعیین شده در سوریه و عراق اقامت کنند اما نه در فلسطین آنها می‌توانند صرفاً به صورت افراد عادی وارد قلمرو عثمانی شوند نه به عنوان یک جامعه متمایز با جاه طلبی‌های سیاسی. عثمانی‌ها نه تنها با پیشنهاد هر تزل موافقت نکردند بلکه با تصویب قوانین و صدور دستوراتی، ورود یهودیان به خاک فلسطین و خرید زمین‌های آنجا را توسط یهودیان ممنوع کردند. هر تزل که از این اقدام خود به نتیجه مطلوب نرسیده بود در ۱۳ اوت ۱۸۹۹، طی نامه‌ای به عبدالحمید دوم سلطان عثمانی نوشت: صهیونیست‌هایی که در کنگره بال بودند بر این عقیده اند که نخستین وظیفه آن‌ها این است که تعهد صادقانه خویش و تقدیر از عنایت اعلیحضرت را در خصوص شهروندان یهودی به آستان همایونی ابراز نمایند. صهیونیست‌ها میل دارند برادران در مانده خویش را در کشورهای مختلف اروپایی دریا بند و در اقتدار امپراتوری عثمانی و شکوفایی آن سهیم باشند. آنها خالصانه در این

آرزو به سر می‌برند که تمایلات صادقانه آنها از تقدیر، تشویق و ترغیب حکیمانه آن خلیفه بزرگ بی‌نصیب نگردد. هر تزل این بار هم دولت عثمانی را بر مواضع قبلی خود در این رابطه استوار یافت. اما صهیونیست‌ها هم تصمیم خود را گرفته بودند و بر آن پای می‌فشردند. لذا هر تزل در ادامه تلاش‌های خستگی ناپذیر خود در سال ۱۹۰۱ برای سومین بار به استانبول سفر کرده و پس از چند روز توانست با وساطت آرمینوس و امبری یهودی متنفذ مردم شناس و ترک شناس که از دوستان نزدیک و مشاوران سلطان عبدالحمید هم بود و در معیت موسی لیوی، خاخام یهودی ترکیه، نه به عنوان یک رهبر صهیونیست بلکه در لباس یک روزنامه نگار با سلطان ملاقات کند. وی در این ملاقات ضمن تلاش مزورانه جهت جلب اعتماد سلطان، آمادگی کامل خود را جهت ارائه خدمات، مالی به ویژه تسویه دیون عثمانی و اعطای وامی به مبلغ یک و نیم میلیون لیره ترک اعلام می‌کند عبدالحمید نیز در پاسخ با تأکید بر اینکه یهودیان در امپراتوری عثمانی همچون سایر شهروندان آن، از هرگونه امنیت، آسایش و رفاه برخوردار بوده‌اند و خواهند بود، گفت: شما نه تنها از تمامی رفاه و نعمت‌های کشور ما مانند هموطنان دیگر بهره‌مند می‌شوید بلکه بیشتر از دیگران در ناز و نعمت می‌باشید، گمان می‌کنم شما دل نگرانی و شکنجه‌هایی را که در گوشه و کنار دنیا متحمل شدید در آغوش ملت مهربان من از یاد برده‌اید. بی‌شک امکان ندارد که از کشورمان که در برابر هر وجبش خون نیاکان ما ریخته شده، درگذریم، و کمتر از آنچه که پیشینیان ما در راه آن مبذول داشته‌اند فداایش کنیم. و در ادامه این گونه تأکید می‌کند:

دوست دارم عدالت و مساوات برای همه هموطنان به اجرا درآید. اما ایجاد دولت یهود در فلسطین که ما با خون نیاکان بزرگ خود آن را به دست آورده ایم هرگز!



فاطمه ستوده

دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی

گذشته بسیار بیشتر بود، چه در تاثیر تنش‌زایی جنایات رژیم صهیونیستی در غزه و کرانه‌ی باختری و چه در مقدمات راهپیمایی امسال برخلاف سال‌های گذشته، آیت‌الله خامنه‌ای شخصا از مردم تقاضای شرکت در این راهپیمایی را کردند که نشان‌دهنده‌ی این اهم است. در خطبه‌ی دوم، به ابعاد سیاسی و اجتماعی جامعه و رویارویی‌های دورادور ایران و آمریکا که اخیرا شدت گرفته پرداخته شد. در کنار این مسئله، پس از بیان شیرینی‌های ماه رمضان، به سختی و تلخی آن برای مردم غزه که روزهای سخت‌تر از سال‌های قبل و حتی سخت‌تر از تمامی مردم جهان گرفتند اشاره شد؛ در کنار این بحث، بر نقش آمریکادر تسهیل راه برای ادامه‌ی جنایات توسط این رژیم تاکیداتی داشتند؛ آمریکا با طراحی لیست تروریسم خود و تغییر هرساله و گاهی در عرض چند ماه، در واقع نقشی اساسی و کلیدی در کنترل اذهان عمومی ایفا می‌کند. حوثی‌ها که دوباره در این لیست قرار گرفته‌اند، اکنون در جنگ نظامی مستقیم با آمریکا هستند و آمریکا طبق این لیست به خود حق تام و تمام این را می‌دهد که حتی غیرنظامیان آن‌ها را نیز مورد حمله قرار دهد. کما اینکه آمریکا دیگر ملت‌ها را تروریست می‌نامد و در همان زمان، خود کمک مالی و تسلیحاتی به اسرائیل ارسال می‌کند تا نسل‌کشی‌ای که اکنون آزادگان جهان به روشن بودن آن آگاه هستند را تداوم ببخشند. آیت‌الله خامنه‌ای در ادامه به این اشاره کردند که تروریسم چه لفظاً و چه عملاً توسط غربی‌ها تقبیح اما نهایتاً آشکارا توسط خود آن‌ها بر غیرنظامیان اعمال می‌شود؛ کمک به کشتار مردم، هدف قرار دادن بیمارستان کودکان سرطانی و مدارس تحت حمایت سازمان ملل (آنروا) که پناهگاه مردمی هستند که تمامی اموال و خانه و کاشانه‌شان از آن‌ها به ناحق گرفته شده، تخریب کارخانه‌ی آب‌شیرین‌کن و کشتار قبیله‌ای یمنی که برای جشن گرفتن عید فطر دورهم جمع شده بودند، چیزی جز تروریسم است؟ ختم کلام سخنان در خطبه‌ی نماز، تاکید بر وظیفه‌ی همگانی در جهت نابودی رژیم صهیونیستی بود؛ چراکه با وجود این رژیم، هیچ پایان خوشی برای هیچ کشوری در منطقه قابل تصور نیست. اما برای تفهیم و مهر تایید این نابودی، ایران نیازمند قاطعیت در پاسخ است؛ با تاکید بر اینکه همراه‌سازی اذهان عمومی در جهت تبیین این وظیفه، اولین قدم به منظور شروع آن است.



«نتیجه‌ی این حرف‌هایی که عرض می‌کنم، این است که این گروه تبه‌کار باید از فلسطین ریشه‌کن بشود و به حول و قوه‌ی الهی، ریشه‌کن هم خواهد شد. در اینجا تلاش برای این کار و در راه این کار، یک وظیفه است؛ هم وظیفه‌ی دینی است، هم وظیفه‌ی اخلاقی و وظیفه‌ی انسانی است. همه وظیفه دارند در این راه کار کنند، تلاش کنند، برای اینکه این موجود شریر را، این موجود جنایت‌کار را از این منطقه حذف کنند.» این بیانات در صبح مصلى امام خمینی نشانگر مظهری از اتحاد مسلمانان و هماهنگی ایشان با یکدیگر است، اما بخش مهم‌تر این نظام، خطبه‌هایی است که هرساله توسط رهبر انقلاب ایراد می‌شوند و مشخصه‌ی آن، پویایی و همگام بودنش با وقایع روز جهان و حوادث اطراف است. روند خطبه‌ها و ماهیت آن هر چند در طی سال‌ها به نسبت مشخص و اغلب دارای کمترین تغییرات است، اما محتوا و مفاهیم آن مخصوصاً در سه سال گذشته تغییرات عمده‌ای داشته، که دلیل بارز آن مسئله‌ی فلسطین و غزه است. با توجه به گذشت بیش از یک سال و نیم از شروع جنایات وحشیانه‌ی رژیم صهیونیستی علیه مردمی که تنها خواستار زندگی در زمین‌های خویش هستند، مشخصاً فلسطین و حل مسئله‌ی آن در راس مسائل جهان اسلام می‌نشیند، هر چند که با توجه به بیانات رهبر انقلاب از ابتدای رهبری ایشان، این «قضیه» همواره مهم‌ترین مسئله‌ی امت اسلامی بوده، اما مسلمانان و دیگر مردم جهان متوجه اهمیت آن نبوده‌اند. خطبه‌های نماز در سال گذشته و امسال، به صورت مشخص از لحاظ محتوا، متن و فرامتن تقسیم شده بوده‌اند. خطبه‌ی اول اغلب شامل مفاهیمی است که متوجه ماه رمضان، معنویت و به تبع آن نتایجش است و در خطبه‌ی دوم به مسائل اجتماعی و علی‌الخصوص سیاست داخلی و خارجی پرداخته می‌شود. رهبر انقلاب در ابتدا با اشاره به فرصت انسان‌سازی و خودسازی در ماه رمضان از طریق عبادات و انس با قرآن و مفاتیح، این ماه را نعمتی بزرگ نامیدند که در آن به ازای انجام آدابش، دل و جان و روان ساخته و باز ساخته می‌شوند، چنانکه در روایات آمده که خداوند در ماه رمضان، توان انسان‌ها برای انجام آداب و عبادات را بیش از دیگر ماه‌ها قرار می‌دهد. ایشان در ادامه ماه رمضان این سال را ماهی پربرکت، غنی و سرشار از معنویت نامیدند که نمونه‌های عینی آن تلاوت قرآن و تأمل در آن به شکل همگانی و رواج سفره‌های افطاری و شراکت در برپایی این سفره‌ها هستند. همچنین چنانچه مشاهده شد، امسال بیش از سال‌های پیش افراد با ظواهر و درجات متفاوت در اعتقادات، در مراسمات مذهبی نظیر شب‌های قدر شرکت کردند. پایان این ماه همانند ماه رمضان‌های پیشین، با راهپیمایی روز قدس در آخرین جمعه‌ی ماه رمضان رقم خورد. اما امسال اهمیت این راهپیمایی از سال‌های

در سال ۱۳۵۳ قمری در عراق، یکی از تاریخ سازان امت اسلامی فیلسوف و مرجع تقلید شیعیان که او دارای چندین آثار برجسته من جمله فلسفتنا و اقتصادنا است، ما را تنها یاد سید محمد باقر صدر می اندازد. کتاب اقتصادنا به شرح شیوه های بانکداری اسلامی می پردازد. از جمله فعالیت های سیاسی محمد باقر صدر مشارکت در تشکیل حزب الدعوة الاسلامیه و همچنین صدور فتوایی مبنی بر حرام بودن عضویت در حزب بعث عراق است. کنشگری های او سببی شد تا دولت وقت عراق او را دستگیر

و آزادی او را مشروط بر ملزوماتی بدانند: (۱) از فتوای حرمت عضویت در حزب بعث برگردد. (۲) از حزب الدعوة برائت بجوید و فتوایی مبنی بر حرام بودن آن بدهد. (۳) انقلاب اسلامی ایران را تایید نکند و آن را مقبول یا مشروع نخواند. سید محمد باقر صدر که هیچکدام از این شروط را نپذیرفته بود، در نهایت به همراه خواهرش آمنه صدر معروف به بنت الهدی به دست دولت عراق به شهادت رسید. چنانکه گفته شد یکی از

شروط حزب بعث عراق برای آزادسازی شهید صدر تایید نکردن انقلاب اسلامی ایران بود. صدر در زمان اقامت امام خمینی در نجف روابط نزدیکی با او داشت و جملات معروفی را در توصیف امام فرمود که «در امام خمینی ذوب شوید، همانطور که او در اسلام ذوب شده است.» پس از پیروزی انقلاب اسلامی او کتاب الاسلام بقود الحیاه را در همین راستا مکتوب و اشاراتی به ضرورت وجود حکومت اسلامی که راه گشای شکوفایی استعداد های انسانی دانسته، داشته اند. سید محمد باقر قرابت های زیادی با پسر عموی خویش موسی صدر داشته و او نیز زاده قم و فرزند آیت الله العظمی سید صدرالدین از مراجع ثلاث و جانشین آیت الله عبدالکریم حائری یزدی، موسس حوزه علمیه قم است. دکتر محمد صادق طباطبایی، خواهرزاده امام موسی صدر، در رابطه با نزدیکی امام موسی و سید محمد باقر اینطور نقل کرده اند که «دایی جان شدیداً به سید محمد باقر علاقه مند بود.» ایشان را جزو نوادر فقهایی می دانست که فقه یعنی چه و عناصر زمان و مکان چه جایگاهی در آن دارند را شهید سید



محمد باقر صدر نیز در باره امام موسی صدر چنین نظری داشت: «آقاموسی در عبادات شخصیتی ممتاز است. در این مدتی که با هم بودیم، به یاد ندارم حتی یک بار نماز شب و تهجدش ترک شده باشد. اگر آقاموسی به سنت حوزه پایبند و در نجف باقی مانده بود بدون شک مرجع مطلق و بلا منازع شیعه می شد.» همانطور که روشن است، امام موسی صدر بیشتر اهل حرکت بود تا یکجانشینی و نظاره کردن وقایع. به همین منظور او راهی لبنان شد. او در لبنان تمام همت خود را گماشت تا بتواند مجلسی

قانونی برای شیعیان آن کشور تشکیل دهد. بعد از شکل گرفتن مجلس، امام موسی صدر به دنبال درست کردن سازمانی به نام «حرکه المحرومین» بود و هدف او از این کار تربیت نیروی انسانی کارآمد، با ایمان و جان برکف برای مبارزه با دشمنان اسلام بود. او که توانسته بود سازمان های اداری، تشکیلاتی و عقیدتی خود را با موفقیت کامل راه اندازی کند و با مشارکت و همراهی پرشور مردم پایه های این سازمان ها روز به روز مستحکم تر شود، حالا باید به دنبال تشکیل ارتشی می بود که بتواند از تمامیت ارضی و همچنین امنیت لبنان محافظت کند، چرا که ارتش های احزاب دیگر فاقد قدرت لازم برای

رویارویی با دشمنان بودند و به سادگی شکست می خوردند. در اینجا بود که او به فکر تشکیل سازمانی نظامی که افراد آن با داشتن آگاهی های سیاسی، مذهبی و نظامی، پاسدار مرزهای عقیده و نظام باشند و به همین منظور او سازمان «افواج مقاومت لبنان» یا همان سازمان «امل» را پایه گذاری کرد که بعدها از دل آن حزب الله و حماس برخاستند. در اینجا به یکی از سخنان آن بزرگوار می پردازیم: «جنگ ما با اسرائیل جنگ با یک مجموعه از انسان ها نیست، بلکه این جنگ در واقع نبردی است با فساد و انحراف و ستم و اندیشه تبعیض نژادی که اساس تفکر آنان است؛ گرمی پندارید که شما دوستان خدا هستید، نه مردم دیگر. این است مصیبت ما. مصیبت اینجاست که آنان خود را اولیا و دوستان خدای دانند و دیگران را نه، این نکته اساسی است. در نهایت امام موسی صدر طی سفری به لیبی در شهریور ۱۳۵۷ مفقود شد و هرگز بازنگشت. تحقیقات فروان نشان می دهد که عملیات ربودن وی با عاملیت مستقیم رژیم قذافی و همدستی برخی محافل مهم قدرت در منطقه غرب آسیا اجرا شد.

آنچه دشمن را حساس می‌کند اسم جمهوری اسلامی نیست بلکه این اراده که کشوری بخواند مسلمان، مستقل و با هویت باشد و برای عزت خود به دیگران تکیه نکند موجب عصبانیت آنهاست.

مقام معظم رهبری

بهمن. [بَم]

در اوستا «وهومنا» و پهلوی «وهومن» و مرکب از دو جزو «وهو» به معنی خوب و نیک و «مند» به معنی منش؛ پس بهمین به معنی نیک اندیش و نیک نهاد است. در جهان روحانی مظهر اندیشه نیک و خرد و دانائی خداست که غایتش در ربیع الثانی ۹۹ هجری قمری رخ داد و این اندیشه نیک مسبب واژگونی سلطنتی دیوسرشت گردید. زان پس بهمین برای ما خجسته و مبارک شد.

ارتباط با ما

در صورت تمایل به همکاری و ارائه نقد و پیشنهادات خود با آیدی زیر در ارتباط باشید.

 @resanehkhaharan

